روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۴۸۹
۱۳ مرداد ماه ۱۴۰۳/ با ما همراه شوید
www.serajonline.com - @serajname

حدیث روز

پیامبر اکرم (ص) :

یا أبا ذرٍّ ، إذا تَبِعتَ جَنازَةً فلْيَكُنْ عَقلُكَ فيها مَشغولاً بالتَّفكُّرِ و الخُشوعِ ، و اعلَمْ أنّكَ لاحِقٌ بِهِ .

ای ابوذر! هرگاه در پی جنازه ای به راه افتادی ، باید عقلت با تفکّر و خشوع به آن مشغول شود و بدان که تو نیز به او می پیوندی.

فرصت‌های طلایی فرهنگ را فدا نکنیم

تاریخ مدیریت فرهنگی و هنری در کشور ما نشان داده است که یک مدیر توانمند و چند بعدی در حوزه‌های فرهنگی ما همیشه مؤثر و جریان ساز بوده است و یک مدیر ناتوان که عمدتاً به خاطر توافقات جریان‌های سیاسی انتخاب می‌شود، جریان فرهنگ را کند می‌کند.

با برگزاری مراسم تحلیف رئیس جمهور، دو هفته فرصت باقی است تا فهرست وزاری پیشنهادی به مجلس ارائه شود، از همان روزهای پس از پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست جمهوری، گزینه‌هایی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به صورت گمانه‌زنی مطرح شده است، اگرچه کارگروه فرهنگ که مسئولیت بررسی و پیشنهاد گزینه‌هایی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را بر عهده داشت، تاکنون فهرست پیشنهادی خود به رئیس‌جمهور را منتشر نکرده است، اما خبرها حکایت از معرفی حسین انتظامی، احمد مسجد جامعی، سیدمجتبی حسینی، رسول جعفریان و سیدعباس صالحی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد.

علی محمدپور؛ ناشر و دبیر انجمن ناشران دیجیتال در یادداشتی که برای انتشار در اختیار خبرگزاری تسنیم، قرار داده به بررسی گزینه‌های مطرح برای وزارت ارشاد و نگاه آن‌ها به حوزه نشر دیجیتال پرداخته است. این یادداشت به شرح ذیل است:

زمانی ما در صنایع فرهنگی و تولیدات فرهنگی در جایگاه منطقه دوم بودیم و قرار بود در افق ۱۴۰۴ اول منطقه باشیم، حال بعد از ۱۰ سال جایگاه ما در خاورمیانه پنجم است. کشوری با پیشینه فرهنگی چند هزار ساله و جمعیتی چند برابری کشورهای منطقه و سابقه دیرین در تولیدات ادبی و هنری، حال چرا به جای پیشرفت عقب افتاده‌ایم؟

دلایل کاهش سرعت رشد فرهنگی ما و جلو افتادن رقبا و کم‌رنگ شدن نقش فرهنگی ما در معادلات اقتصادی و سیاسی متعدد است. بخشی از این دلایل به شرح ذیل است:

- ممیزی‌های سلیقه‌ای و به روز نشده در کنار عدم وجود سیاست‌های رشد فرهنگی
- کاهش بودجه‌های فرهنگی در کنار عدم تخصیص درست بودجه‌ها به فعالیت‌های مؤثر
- بحران اقتصادی کشور که قدرت توسعه فرهنگی را هم کاهش داده است. و توجه سیاست‌گذار را از حوزه‌های فرهنگی برداشته است.
- سرمایه‌گذاری گسترده رقبای منطقه‌ای در این حوزه در کنار عدم سرمایه‌گذاری مناسب در کشور ما و البته افزایش ریسک سرمایه‌گذاری خصوصی در این حوزه به خاطر سیاستگذاریهای نامناسب.
- فرار مغزها، این فرار یا با مهاجرت اتفاق افتاده است یا با عدم فعالیت و یا تغییر فعالیت هنرمندان و خروجشان از بازار فرهنگ و هنر

تجربه شخصی بنده از زیست بوم فرهنگ از حوزه رسانه گرفته تا حوزه نشر و حوزه فناوری‌های نوین نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل «نبود مدیر توانمند» و نبود «وزیر توانمند» است.

تاریخ مدیریت فرهنگی و هنری در کشور ما نشان داده است که یک مدیر توانمند و چند بعدی در حوزه‌های فرهنگی ما همیشه مؤثر و جریان ساز بوده است. و یک مدیر ناتوان که عمدتاً به خاطر توافقات جریان‌های سیاسی انتخاب می‌شود، جریان فرهنگ را کند کرده و چالش‌ها را بیشتر می‌کند.

مدیر و وزیر توانمند کسی است که عرصه‌های مختلف فرهنگ را مثل کف دستش بشناسد. آدم‌های مؤثر این حوزه را بشناسد و فرصت‌ها را تشخیص دهد و توانایی‌های کشورمان را دوباره وارد چرخه فرهنگ و هنر کند. مدیری که بتواند بحران‌ها را مدیریت کرده و آن‌ها را تبدیل به فرصت کند. مدیری که مورد توافق گروه‌های مختلف جامعه‌ی فرهنگی و هنری کشورمان باشد، مدیری که با کمترین بودجه‌ها بتواند بیشتری کارایی را خلق کند. افراد توانمند را به کار بگیرد. تجربه زیسته کافی در حوزه فرهنگ و هنر داشته باشد. توان ساختارسازی داشته باشد و شاکله‌های وزارت ارشاد را بروز کند. دانش مدیریت داشته باشد و فناوری را بشناسد. بداند نشر دیجیتال چیست. بداند چرا دیگر آثار فاخر بین‌المللی در حوزه فیلم نداریم، بتواند فرصت خلق آثار هنری جدید را ایجاد کند، قوت قلب نویسندگان و فیلم‌سازان و هنرمندان باشد. فضای امنیتی را از سر فرهنگ و هنر بردارد و این حوزه را عامل ثبات امنیتی کشورمان کند. زبان دنیا را بلد باشد و بتواند روابط فرهنگی ما را با دنیا تقویت کند.

حال بعد از مدت‌ها رایزنی گزینه‌های مختلفی برای وزارت ارشاد مطرح شده است. گزینه‌هایی چون حسین انتظامی، احمد مسجد جامعی، سیدمجتبی حسینی و ...

کشور ما و فرهنگ ما ۴ سال طلایی را پیش رو دارد. چهار سال خطیر که یا فرصت‌های ما را برای توسعه فرهنگی و حل چالش‌های فرهنگی می‌سازد و یا ۴ سال طلایی و فرصت‌های آن را می‌سوزاند.

کسی که عمر فرهنگی کشور ما را می‌سوزاند و به دنبال آن عمر هنرمندان و اهالی فرهنگ و رسانه را می‌سوزاند یک مدیر کم توان یا ناتوان است. مدیری که نتواند فرصت‌های جدید را از وضعیت رخوت‌زده جریان فرهنگی ما بیرون بکشد.

فضای وزارت ارشاد فضای برجسته کردن سن و سال افراد نیست. فضای گفتگو و ایده و برنامه و جریان‌سازی و ساختار سازی و مدیریت قوی است. یک وزیر توانمند فرهنگی می‌تواند چالش‌های پیش روی سیاست و اقتصاد را هم حل کند. می‌تواند زبان ارتباط ما با دنیا باشد. می‌تواند گره‌های در هم تنیده فعلی را باز کند. واقعاً فرصت چندانی نداریم. پنجم منطقه هستیم. آیا چهار سال دیگر می‌شویم شش و هفتم منطقه؟ یا دوم و سوم منطقه؟ نباید فرصت‌های طلایی فرهنگ را در گروکشی‌های سیاسی فدا کنیم. باید اجازه دهیم یک مدیر توانمند این مسئولیت را قبول کند.

دکتر محمدرضا شیرزادی

یادداشت

رئیس جمهور فرهنگی و جلوگیری از فساد

فساد اداری، پدیده‌ای است که در دنیای امروز و همه کشورها و به‌طور ویژه در کشورهای درحال توسعه، به عنوان یکی از مهم ترین عوامل در سر راه پیشرفت جامعه، رشد و توسعه ، مطرح شده است و این پدیده توانسته صدمات جبران ناپذیری را بر روی سرعت و حرکت چرخ اجتماعی و صنعتی آن جامعه ایجاد کند.

البته تاثیر عوامل گوناگون در شکل گیری فساد، به آن ماهیت پیچیده ای داده که درنتیجه آن بسیاری از برنامه های تدوینی دولت‌ها برای مبارزه با فساد به شکست انجامیده است. تجربیات به دست آمده نشانگر این است که برای حذف یا کاهش این پدیده شوم در نظام اداری کشور، نیازمند برنامه هایی هستیم که با تأثیر بر فرهنگ عمومی جامعه و ابعاد آن همچون فرهنگ سازمانی (به عنوان پدیده ای که به طور مستقیم از فرهنگ جامعه تاثیر می‌پذیرد)، پیشگیری از بروز فساد اداری را هدف قرار دهد، به جای آنکه از روش‌های تنبیهی و متاخر استفاده نمائیم.

همان‌گونه که در پزشکی تأکید بر این است که پیشگیری بهتر از درمان است و از این طریق با هزینه کمتر و سریع تر می توان اصلاً بیمار نداشت، چه برسد به آن‌که آن را درمان نمود. در اینجا باید متذکر شد که نقش فرهنگ اجتماعی و سازمانی غیر قابل بوده و رویه‌های درست با نمادها و شخصیت‌های شاخص کشور به عنوان الگوهای پاکدست و معتقد می تواند مانع از بروز بسیاری از جریانات توأم با فساد اداری گردد. فرهنگ سازمانی از کارکردهای گوناگونی برخوردار است و می تواند با معرفی الگوی رفتاری مطلوب به کارکنان، رفتار آنان را کنترل کند. فرهنگ سازمانی از طریق تثبیت شیوه‌های مطلوب انگیزش، به رفتار کارکنان جهت می دهد. هم‌چنین فرهنگ سازمانی از نظر اجتماعی به‌عنوان چسبی به حساب می‌آید که می‌تواند از طریق ارائه استاندارد مناسب (در رابطه با آنچه که باید اعضای سازمان انجام دهند یا بگویند) اجزای سازمان را به هم متصل می کند. اگر در مدل‌های پیشرفته فرهنگی جهان مداقه نمائیم، مدلی بسیار ارزشمند وجود دارد که "جانسون" آنرا طراحی کرده است. در این مدل به آرم‌ها، نمادها، اسطوره‌ها، قهرمانان، سمبل‌ها، سیستم‌های کنترلی، کارهای روزمره، ساختارهای قدرت و قصه‌ها و امثالهم اشاره دارد. در اهمیت فرهنگ سازمانی در شکل دادن به رفتار کارکنان و القای تعهد درونی در آنان به حدی است که استانلی دیویس در کتاب مدیریت فرهنگ سازمانی خود، به مجموعه آن نام "سازمان غیررسمی" را می‌دهد که می‌تواند باعث شود در افراد نوعی "تعهد و احساس مسئولیت" نسبت به چیزی به‌وجود آید که آن چیز، بیش از منافع شخصی فرد است. درعین حال، با تنظیم برنامه‌هایی و یا یک منشور اخلاقی می‌توان رویه و برنامه‌هایی را تدوین نمود که متمرکز بر ارزش‌ها و باورهای فرهنگ جامعه داشته باشد. البته در دنیا نیز این موضوع اهمیت ویژه داشته و "سازمان جهانی شفافیت" به تدوین برنامه-هایی از جمله، طرح میثاق سلامت دست زده است که و هدف آن محفوظ نگه داشتن تعاملات همگانی از فساد است. در اصل میثاق سلامت، یک سوگند نامه لازم الاجرا بین سازمان های دولتی(به عنوان ارائه دهندگان خدمات)، مؤسسات و افراد (به عنوان مراجعه کنندگان به دولت) است، به طوری که آنها رشوه ندهند و دولت و اجزای آن رشوه نگیرند. سازمان شفافیت بین‌الملل (Transparency International)یک سازمان غیردولتی است که در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد و دفتر اصلی آن در برلین، آلمان قرار دارد. هدف این سازمان که در حدود ۱۰۰ کشور نمایندگی دارد تلاش برای مبارزه با فساد و افزایش آگاهی در مورد آن است. این سازمان به‌طور سالیانه اقدام به انتشار شاخص ادراک فساد می‌کند. سنجش فساد به استفاده از شاخص‌های نظیر فساد، اختلاس، رشوه‌گیری، خرید و فروش پست‌های دولتی، رشوه‌پذیری دستگاه قضایی، فساد مالی در میان سیاست‌مداران و مقام‌های دولتی و عدم مقابله کافی یا ناکارایی در پیکار علیه فروش مواد مخدر است. در سال‌های گذشته نیز قوانینی برای رعایت حقوق همه ذینفعان در کشور تدوین گردیده که با تجمیع همه آنها و یک "لیدر پاکدست" می‌توان به هم‌افزایی رسید. در حال حاضر ریاست محترم جمهوری نیز با تاسی به آیات قرآن، احادیث و نهج البلاغه می‌توانند چنین نقش را برای ارتقاء فرهنگی بازی نمایند. در پایان نیز متذکر می‌شود باید مدل "دنیسون" که رویکرد دیوان‌سالاری و بروکراتیک دارد بر روی مدل توصیفی جانسون اضافه گردد و مسایلی مثل تدوین برنامه‌ها، رسالت، جهت‌گیری استراتژیک، اهداف و مقاصد، چشم‌انداز، یادگیری مستمر وسازمانی، مشتری‌مداری، ایجاد تغییر، توانمندسازی،تیم‌سازی، توسعه قابلیت‌ها، ارزش‌های بنیادین، توافقات جمعی، هماهنگی و پیوستگی معنوی و مادی و انضباط را مد نظر داشت. این موضوع و رعایت اصول اخلاق و هم اخلاق حرفه‌ای در بخش‌های حساس کشور مثل سازمان‌ها و دستگاه‌هایی که گردش مالی بالایی داشته و مخاطبین بی‌شماری هم دارند دوچندان خواهد بود. بخش کشاورزی نیز صنعت حساسی بوده و علاوه بر گردش مالی زیاد، مستقیماً با همزیستی و پاسداشت خرد نیاکانی عرصه کهن ایران زمین در ارتباط مستقیم است. بنابر این تدوین و رعایت اصول و برنامه‌های مناسب برای حفظ کرامت ذینفعان بسیار الزامی بوده و در وزارت جهاد کشاورزی، واحدهای مسئول این مهم نباید منفعلانه با این موضوعات برخورد داشته باشند. در این مسیر می‌توان از پایه و اساس به استانداردها و اصول بومی و ملی تکیه داشت واز طرفی به استانداردهای معتبر بین المللی و رویه‌های ارزیابی کمی. در چنین حالتی است که با پاسداشت فرهنگ به تبعیت از یک "فرمانده و حکمران خوب" خواهیم توانست سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی(همدلی، مشارکت و اعتماد) را ارتقاء بخشیده و به اهداف متعالی دست یابیم.

تهیه‌کننده ماجرای نیمروز: به وعده خونخواهی فرزندان مقاومت ایمان داریم

سیدمحمود رضوی در دلنوشته‌ای برای شهادت اسماعیل هنیه تاکید کرد که «آنها محال است بتوانند خللی در انگیزه‌های استوار و مبارزهٔ دشمن‌شکن جان‌های دلباختهٔ به مقاومت، آرمان فلسطین و آزادی قدس شریف ایجاد کنند و محور مقاومت را در مبارزه با خود ذره‌ای عقب بنشانند.»

سیدمحمود رضوی، تهیه‌کننده سینما و تلویزیون، در یادداشت و دلنوشته‌ای برای شهادت اسماعیل هنیه نوشته است:

إِنّ اللهَ عَزِیزٌ ذُو انْتِقَام

در سال‌های منتهی به وعده ۲۵ ساله سرعت اتفاقات جهان تغییر کرده و ما ایستاده‌ایم تا انتقام مظلومان همیشهٔ تاریخ را از ظالمان و مستکبران عالم بگیریم.

برخی از ماه در این راه پرافتخار شهید می‌شویم اما مستکبران و ابرقدرتان جهان از نام، عکس و جنازهٔ ما هم ترس و واهمه دارند چرا که می‌دانند مجاهدان مقاومت عاقبت بر ارادهٔ استکباری آنها چیره خواهند شد و طراحی آنها را بر هم خواهند زد

برای مبارز و مجاهد فی سبیل الله چه پایانی بهتر از شهادت؟

تمام عاشقان شهادت از همان روزی که قدم در عرصهٔ مبارزه می‌گذارند برای خود آرزو میکنند تا عاقبتشان شهادت باشد و امروز نیز حاج اسماعیل هنیه میهمانِ شجاع و سرافراز ملت ایران به آرزوی دیرینهٔ خود رسید و فرزندان شهیدش در کنار شهدای والامقام مقاومت در بهشت برین به استقبالش خواهند آمد.

اما آن فرعونیان زمان، رژیم غاصب صهیونیستی که همچون اسلاف خود این روزها به قتل عام کودکان بی‌گناه و زنان بی‌پناه افتخار می‌کند و آمریکای جنایتکار، بزرگ حامیِ فرعونیان زمان که ایستاده آنها را تشویق می‌کند، می‌دانند که برای بر هم زدن نظم منطقه و دشمن تراشی در جبهه مقاومت و برای کند کردن سرعت تحولاتی که علیه منافع و موجودیت آنها در جریان است، لذا حاج قاسم سلیمانی را در عراق و دکتر اسماعیل هنیه را در شام تحلیف رئیس جمهور ایران در تهران به شهادت می‌رسانند.

با این وجود آنها محال است بتوانند خللی در انگیزه‌های استوار و مبارزهٔ دشمن‌شکن جان‌های دلباختهٔ به مقاومت، آرمان فلسطین و آزادی قدس شریف ایجاد کنند و محور مقاومت را در مبارزه با خود ذره ای عقب بنشانند. آنها با هر اقدام اینچنینی، سقوط خود را تسریع می‌کنند و باید منتظر باشند تا خونخواهی از مهمان مجاهد شهیدمان وعده‌های صادق عظیم‌تری را برای آنها رقم بزنند.

جمهوری اسلامی ایران از روزی که مبارزه با استکبار را آغاز کرده ضربه‌هایی کاری، بی‌سابقه و غیرقابل بازگشت به رژیم صهیونیستی و مزدوران و حامیان آنها وارد کرده است و در این راه این توفیقات انسان‌های شریفی نیز جان شیرین خود را فدا کرده‌اند. امروز نیز یکی از عزیزترین دوستان ملت ایران را در آغوش خویش رهسپار بهشت کردیم اما دشمنان بدانند که این راه برای آنان بی‌بازگشت است؛ رژیم صهیونیستی هزینه‌های بزرگ‌تر را به زودی زود و به فضل و عنایت خداوند متعال متحمل خواهد شد. ما به وعده خونخواهی فرزندان مقاومت ایمان داریم. درود و رضوان خداوند بر رهبر شجاع مقاومت فلسطین و پاسدار سربلند کرامت ملت مبارز فلسطین و مایهٔ فخر جهان اسلام، شهید دکتر حاج اسماعیل هنیه.

نامه امام حسین علیه السلام در پاسخ به فرماندار مکه

بخش ۲

حجت‌الاسلام دکتر مجتبی خندان

۱.مطابقت گفتار با عمل

روایت داریم موسی بن جعفر علیه السلام در وصیتش به هشام فرمود: «لا یَکونُ أحَدُ کَذلِکَ (خائفاً) إلا مَن کانَ قَولُهُ لِفِعلِه مُصَدّقاً و سِرُّهُ لعلانِیَتِهِ مُوافِقاً» ؛ اولین نشانهٔ ترس از خدا این است کسی که از خدا می‌ترسد حرفش با عملش یکی است، قولش عملش را تصدیق می‌کند و عملش نیز حرفش را تصدیق می‌کند. البته خیلی دشوار است انسان به جایی برسد که پشت سر کسی همان گونه حرف بزند که جلوی او حرف می‌زند. به جایی برسد که گفتارش با عملش یکی باشد. قرآن کریم می‌فرماید: «یَعْلَمُ سِرَّکُمْ وَجَهْرَکُمْ وَیَعْلَمُ مَا تَکْسِبُون» ؛ خدا هم از باطن شما خبر دارد و هم از ظاهر شما. ای نیت‌ها، انگیزه‌ها و هر چه در دلتان می‌گذرد آگاه است. یک علامت ترس از خدا این است که عمل با گفتار، و باطن با ظاهر یکی باشد؛ یعنی تعارض نداشته باشد. شما به تاریخ اسلام نگاه کنید، ببینید بعضی‌ها چقدر خوف از خدا و خوف از قیامت داشتند!

خوف مادر از عاقبت جوانش

در جنگ بدر قبل از این که جنگ شروع شود، جوانی که تک فرزند خانواده بود و پدر هم نداشت کنار چاه‌های بدر رفت که آب بنوشد تیر به او خورد و شهید شد. این اتفاق قبل از شروع جنگ افتاد، وقتی جنگ بدر تمام شد مردم به مدینه برگشتند. مادر این جوان و خواهرش آمدند در دروازهٔ مدینه به استقبال پیغمبر که خبر بگیرند. عده‌ای در بدر هر چه اندک شهید شده بودند. عده‌ای به مادر این جوان گفته بودند پسرت شهید شده؛ اما بعضی‌ها به او گفته بودند پسرت در جنگ شهید نشده بلکه قبل از جنگ رفت کنار چاه، آب بخورد که تیر خورد، و شاید جزو شهدا نباشد. برای او تردید ایجاد کردند. مادر در دروازهٔ مدینه ایستاد تا پیغمبر خدا رسید، عرض کرد: یا رسول الله! به من گفته‌اند پسرت کشته شده؛ ولی من نه گریه کردم، نه حرفی زدم، فقط نگرانم می‌ترسم شهادت او در راه خدا نباشد. یا رسول الله! فقط یک کلمه به من بگو آیا پسر من در راه خدا شهید شد؟ آیا با رضایت شما به شهادت رسید؟ آیا نامش جزو شهداست؟ ببینید نگرانی یک مادر چیست؟ تنها پسرش را از دست داده اما ایستاده که این مسأله را حل کند که آیا کار برای خداست یا نه. پیغمبر اکرم فرمود: «والله هو فی الفردوس الاعلی»؛ به خدا در بهترین جای بهشت قرار دارد، کسی که از خانه‌اش به خاطر خدا بیرون می‌آید اگر در مسیر جنگ کشته شود و از بین برود ثواب شهید را دارد. فرمود: به خدا قسم او در فردوس اعلاست. مادر نفسی کشید و گفت: یا رسول الله! حالا خیالم راحت شد، حالا خدا را شکر می‌کنم. ببینید چگونه اهمیت می‌دهد که کارش برای خدا باشد. انگیزه‌اش برای خدا باشد و علت کارش الهی باشد.

خوف عبدالله بن رواحه

در جنگ موته، عبدالله ابن رواحه شهید شد، راوی می‌گوید وقتی روی زمین افتاد من رفتم بالای سرش نگاهی کردم دیدم در حال جان دادن است. ولی گریه میکند، گفتم عبدالله تو فرماندهٔ لشکری، انسان ترسویی نیستی، چون شجاع بودی پیغمبر تو را به این سمت انتخاب کرد می‌دانید در جنگ موته سه فرمانده شهید شدند، جعفر طیار، زیدبن حارثه و عبدالله ابن رواحه - گفتم: عبدالله چرا گریه می‌کنی؟ گفت: فکر نکنی از مرگ می‌ترسم نه، فقط گریه‌ام برای این است که می‌ترسم یک وقت بهشتی نباشم، می‌ترسم در قیامت مرا به بهشت نبرند. به جایی برند که گنه کارها را می‌برند. ببینید گریهٔ یک فرمانده در آخرین لحظه برای چیست؟ نمی‌گوید زن و بچه دارم، کار دارم، نگرانی‌اش از این است که آیا با این شهادت بهشتی می‌شود یا نه؟

انسانی که این خوف را دارد، خدا قسم خورده می‌گوید: به عزت و جلالم قسم- قسم‌های خدا هم که مثل قسم‌های من و شما نیست که گاهی قسم می‌خوریم اما پای آن نمی‌ایستیم، قسم خدا قسم عزت و عظمت است، امری مسلم است- دو ترس و خوف را برای یک بنده با هم جمع نمی‌کنم، وقتی کسی این گونه از قیامتش می‌ترسد، قیامت او امن است. در سوره نمل آیهٔ ۸۹ می‌فرماید: «مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَیْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ یَوْمَئِذٍ آمِنُون»؛ هر که در این دنیا ترس دارد و کار خوب انجام می‌دهد و با خداست، در قیامت در امنیت است. ما امنیت آن دنیا را نیاز داریم، فکر نکنید وقتی می‌گویم از خدا ترس داشته باشید؛ یعنی اضطراب و نگرانی، خیر. نشانه‌های آن را برشمردم، یک نشانهٔ ترس از خدا این است که حرف انسان با عملش یکی باشد.

۲. حب ریاست و غرور ندارد

امام صادق فرمود: «إنّ حُبَّ الشَّرَفِ وَ الذِّکرِ لَا یکونَانِ فی قلب الخائفِ الرّاهِبِ» ؛ انسانی که از خدا می‌ترسد مغرور نیست، حب ریاست ندارد، برای ریاست عالم و اقلیم را به هم نمی‌دوزد، غیبت نمی‌کند، دروغ نمی‌گوید، مملکت را به هم نمی‌ریزد ناامنی ایجاد نمی‌کند، روزنامه‌ها را به هم نمی‌ریزد. اگر برای خداست وقتی به تو مسئولیت دادند، وقتی به تو رأی دادند بایست و خدمت کن، در غیر این صورت به کار قبلی ادامه بده؛ اگر کاری به انسان واگذار کردند این یک امانت است. امیرالمؤمنین به یکی از فرماندارانش، اشعث بن قیس نوشت: «إنّ عَمَلَکَ لَیْسَ لَکَ بِطُعمَةٍ وَلَکِنّهُ فی عُنُقِکَ أمانَةٌ» مسئولیت در گردن تو یک امانت است، طعمه نیست که با آن بار خودت را ببندی. ماشینت عوض شود، خانه‌ات عوض شود و با این چند سال مسئولیت زندگی‌ات را درست کنی! فرمود: این امانت است. اگر کسی به مسئولیت با این دید نگاه کرد ارزش دارد. وقتی امیرالمؤمنین داشت کفش وصله‌دارش را مجدداً وصله می‌کرد، گفت! ابن عباس! به خدا قسم ارزش این کفش در پیش من از ریاست بر مردم بالاتر است.

وقتی خبرنگارها در هواپیما دور امام جمع شدند و پرسیدند انقلابتان در حال پیروزی است احساس شما چیست؟ از این که بعد از ۱۵ سال دارید به ایران برمی‌گردید احساس شما چیست؟ گفت: هیچی. کسی که کارش برای خداست، «أنّ حُبَّ الشَّرَفِ وَ الذِّکرِ» ریاست او را از مسئولیتش و از خدمتش باز نمی‌دارد، حب ریاست را ندارد. خدا رحمت کند مرحوم شهید بهشتی را می‌فرمود: من حب ریاست ندارم، اما اگر به من واگذار شود از خدمت هم ابایی ندارم، خدمت می‌کنم، شیفتهٔ ریاست نیستم اما تشنهٔ خدمت هستم. خدا هم مزدش را با آن شهادت به او داد. اگر کسی از خدا می‌ترسد علامت دومش این است که ریاست طلب و قدرت طلب نیست، مغرور نیست.

خدانترسی عمروعاص عامل هلاکت

عمروعاص دو پسر دارد، یکی به نام عبدالله و دیگری به نام محمد. وقتی معاویه به او نامه نوشت که عمروعاص از فلسطین به شام بیا، می‌خواهم به تو مسئولیت بدهم، دو فرزندش را صدا زد و گفت: بابا! معاویه نامه نوشته که به شام بیا عمرو عاص سابقهٔ بدی در اسلام دارد، او در زمان پیغمبر بچه‌ها را جمع می‌کرد، در مذمت پیغمبر شعر می‌سرود، و به بچه‌ها می‌گفت آنها را جلوی پیغمبر بخوانید. پیغمبر را با شعرهای هجوی که خودش می‌سرود و به بچه‌ها یاد می‌داد آزار می‌داد. پیغمبر خدا دید که او دست برنمی‌دارد، عرضه داشت: خدایا! من شعر نمی‌دانم، اما از تو درخواستی دارم؛ به عدد هر شعری که او بر علیه من می‌سازد، او را لعنت کن، پیغمبر نفرینش کرد. یکی از پسرهایش به نام عبدالله گفت: پدر، اگر از من می‌شنوی نرو، این آخر عمری خودت را بدبخت نکن، معاویه بیچاره‌ات می‌کند، در خانه بنشین، این ریاست عاقبت به خیری ندارد. پسر دیگرش گفت: نه پدر برو، خیلی خوب است ما هم به جایی می‌رسیم، نانی هم برای ما درست می‌شود، می‌گویند پدرش رئیس و وزیر است. به پسر اولی گفت: تو خیر دین مرا می‌خواهی، و این خیر دنیای مرا می‌خواهد، ولی چه کنم که در انتخاب خیر دین و دنیا، خیر دنیا بهتر است. بلند شد و رفت به معاویه پیوست چند سالی هم طول نکشید، این اواخر عمرش بود، چون عمروعاص سال ۴۳ هجری یعنی سه سال بعد از شهادت امام علی به درک واصل شد. بعد از این مسئولیتش خیلی عمر نکرد، همهٔ این بی دینی‌ها و مکرهایی که به کار بست؛ در جنگ صفین قرآن به نیزه کرد، شهادت عمار را به گردن حضرت علی انداخت، صلح امام حسن، شهادت مالک اشتر، این همه دوید فکر می‌کنید چقدر بعد از حضرت علی زنده ماند؟ سه سال، آن وقت روزی که در مصر داشت از دنیا می‌رفت به اطرافش نگاهی کرد و گفت: خدایا، به من هر چه امر کردی من خلافش را انجام دادم و هر چه نهی کردی من انجام دادم، خدایا حالا دستم خالی است به من رحم کم! آخر چه رحمی؟ تو کم آدم‌ها را از صحنه خارج کردی؟! تو در صفین کم خیانت کردی؟! بعضی از چیزها هزینه و تاوانش سنگین است. امام فرمود: حب ریاست و حب نام و غرور در کسی که از خدا می‌ترسد، نیست.

نقش ورزش‌های گروهی در رشد شخصیت اجتماعی کودکان و تأثیر آن بر کار گروهی در بزرگسالی

ورزش‌های گروهی نقش بسیار مهمی در رشد شخصیت اجتماعی کودکان دارند و این تأثیرات می‌توانند تا بزرگسالی و محیط کاری آن‌ها ادامه یابد. برخی از این تأثیرات و مزایا به شرح زیر است:

۱. توسعه مهارت‌های اجتماعی:

ورزش‌های گروهی به کودکان فرصت می‌دهد تا با هم‌سالان خود تعامل کنند و مهارت‌های اجتماعی مانند همکاری، همدلی و ارتباط مؤثر را بیاموزند. این تعاملات می‌توانند به کودکان کمک کند تا به تفاوت‌ها احترام بگذارند و توانایی کار در گروه‌های مختلف را پیدا کنند.

۲. تقویت حس مسئولیت‌پذیری:

یکی از مهم‌ترین درس‌هایی که کودکان از ورزش‌های گروهی می‌آموزند، مسئولیت‌پذیری است. هر عضو تیم مسئولیت‌های خاص خود را دارد و باید به نقش خود در موفقیت تیم واقف باشد. این حس مسئولیت‌پذیری در بزرگسالی و در محیط کار نیز بسیار مفید است.

۳. یادگیری مدیریت تعارض:

در تیم‌های ورزشی، کودکان ممکن است با تعارض‌ها و اختلافات مواجه شوند. این فرصتی است برای یادگیری چگونگی مدیریت تعارض‌ها و حل مشکلات به صورت سازنده. این مهارت‌ها در محیط کار نیز بسیار حیاتی هستند، زیرا تعامل با همکاران و مدیریت اختلافات، بخشی از روزمرگی شغلی است.

۴. تقویت روحیه همکاری:

ورزش‌های گروهی به کودکان می‌آموزد که چگونه با دیگران همکاری کنند و به هدف مشترکی برسند. این همکاری می‌تواند در بزرگسالی به توانایی کار مؤثر در تیم‌های کاری منجر شود. توانایی کار گروهی یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی است که کارفرمایان در نیروی کار خود به دنبال آن هستند.

۵. ایجاد اعتماد به نفس:

شرکت در ورزش‌های گروهی و موفقیت در آن‌ها می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس کودکان کمک کند. این اعتماد به نفس در بزرگسالی نیز به آنها کمک می کند.

مریم رحیمی